



واکاوی تصمیم ۲۰۲۰ دادگاه ویژه لبنان در قضیه «عیاش و دیگران»

محمد ستایش پور^۱، سعید مختاری^۲

چکیده

دادگاه بین‌المللی ویژه لبنان به‌عنوان دادگاهی بین‌المللی که در زمره نسل سوم از محاکم بین‌المللی کیفری قلمداد می‌شود و از صلاحیت صدور رأی غیابی نیز برخوردار دانسته شده است، در سال ۲۰۲۰ میلادی در پرونده موسوم به سلیم جمیل عیاش و دیگران، حکم به محکومیت و مجازات صادر کرده است. در نوشتار پیش رو، به تحلیل عملکرد دادگاه ویژه لبنان در صدور حکم به محکومیت و نیز صدور حکم به مجازات پرداخته شده است. فرضیه راقمان سطور پیش رو آن است که دادگاه یاد شده، قواعد حقوقی را آن‌چنان که شایسته و بایسته یک محکمه حقوقی بین‌المللی می‌باشد، رعایت نکرده است. به منظور راستی آزمایی فرضیه مطرح شده، تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با عنایت به گردآوری اطلاعات عمدتاً کیفی به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. مقاله پیش رو، از رهگذر تحلیل عملکرد دادگاه در پرونده پیش گفته، فرضیه خود را صحت سنجی کرده و نشان داده است که دادگاه ویژه لبنان ضعیف عمل کرده و بدون آن که استدلال حقوقی و متقنی بیاورد، با یک نگاه ظاهری به وقایع و نه قواعد و با رویکردی گزینشی، حکم به محکومیت صادر کرده و همین‌طور در صدور حکم به مجازات نیز بسیار مضیق عمل نموده است. امری که پیش‌تر در دیگر تصمیمات محاکم بین‌المللی کیفری سابقه نداشته است. نقد این رویه دیوان، موضوع نوشتار پیش رو است.

واژگان کلیدی: دادگاه ویژه لبنان، ترور، رفیق حریری، سلیم جمیل عیاش، مقابله با بی‌کیفرمانی.

۱- استادیار حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، جمهوری اسلامی ایران

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، جمهوری اسلامی ایران

نویسنده مسئول: دکتر محمد ستایش پور؛ Mohamadsetayeshpur@yahoo.com



Analyzing the Decision 2020 of the STL in the Case of “Ayash and Others”

Mohamad Setayeshpur¹, Saeed Mokhtari²

Abstract:

The Special Tribunal for Lebanon, as an international court that is considered among the third generation of international criminal courts and has the authority to issue judgments in absentia, in 2020 in the case of Salim Jamil Ayash and others, has issued a sentence of conviction and punishment. In the following article, the analysis of the performance of the Lebanese special court in issuing a sentence of conviction and sentence of punishment has been discussed. hypothesis in the following lines is that the said court did not follow the legal rules as it should be for an international court. In order to verify the proposed hypothesis, the present research has been carried out with a descriptive-analytical method and with regard to collecting mostly qualitative information in a library method. The following article, through the analysis of the court's performance in the above-mentioned case, has validated its hypothesis and shown that the special Tribunal for Lebanon acted weakly and without providing legal and reasonable arguments, with a superficial look at the events and not rules and with a selective approach, it has issued a sentence for conviction and similarly, it has acted very narrowly in issuing a sentence for punishment. This has never happened before in other decisions of international criminal courts. Criticism of this court procedure is the topic of the upcoming article.

Keywords: STL, Terror, Rafiq Hariri, Salim Jamil Ayash, Combatting Impunity.

1- Assistant Professor of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Islamic Republic of Iran

2- Phd Student, Public International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Islamic Republic of Iran



مقدمه

در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ میلادی، یک بمب‌گذار انتحاری، مواد منفجره‌ای به هنگام عبور کاروان رفیق حریری منفجر کرد (Swart, 2007: 1154) و در اثر آن، رفیق حریری که خود، پیش‌تر نخست‌وزیر لبنان بود و ۲۲ تن دیگر جان خویش از دست دادند (Ben, 2011: 677) (بیگز زاده و میرزاده، ۱۳۹۴: ۶). پس از این اقدام که منجر به جان باختن ۲۳ تن، از جمله نخست‌وزیر سابق لبنان شد، شورای امنیت سازمان ملل متحد، به موجب قطعنامه ۱۵۹۵ در سال ۲۰۰۵ میلادی، کمیسیونی تشکیل داد تا آن کمیسیون، در کم و کیف ارتکاب این عمل تفحص نماید تا بشود به ایضاح ابعاد آن بینجامد. آن شورا به موجب قطعنامه ۱۷۵۷ در سال ۲۰۰۷ میلادی، دادگاه ویژه لبنان را برای محاکمه و مجازات این عمل تأسیس کرد (Wetzel & Mitri, 2008: 81).

شعبه بدوی دادگاه ویژه لبنان، به منظور نیل به هدف آن دادگاه، یعنی محاکمه و مجازات عامل یا عاملان انفجار تروریستی، در ژوئن سال ۲۰۱۱ میلادی، علیه آقایان سلیم جمیل عیاش، مصطفی امینه بدرالدین، حسین حسن اونیسی و اسد حسن صبرا کیفرخواست صادر کرد. هم‌سو با این موضع، در جولای ۲ سال بعد، علیه آقای حسن حبیب مه‌ری هم کیفرخواست صادر گردید. دادستانی تصریح کرد که چهار متهم یادشده برای قتل نخست‌وزیر سابق لبنان با یکدیگر هماهنگ کرده بودند. دادگاه در اسناد خود اعلام کرد که متهمان از اتهامات وارده به آن‌ها و احتمال شرکت در دادگاه آگاه بوده و در عین حال فرار کرده‌اند و دسترسی به آن‌ها امکان‌پذیر نیست. از این رو، دادگاه یادشده بر آن شد تا رسیدگی به اتهامات آقایان عیاش، بدرالدین، اونیسی و صبرا را به صورت غیابی انجام دهد.

دادگاه ویژه لبنان در ۱۸ آگوست سال ۲۰۲۰ میلادی، رأی خود را در خصوص محکومیت متهم و نیز در ۱۱ دسامبر همان سال، حکم به مجازات محکوم را صادر نموده است. مقاله پیش‌رو درصدد بر آمده است تا به تحلیل عملکرد دادگاه ویژه لبنان در صدور حکم به محکومیت و نیز صدور حکم به مجازات در پرونده موسوم به عیاش و دیگران پردازد. به این منظور، پرسش اصلی پژوهش پیش‌رو این است که دادگاه ویژه لبنان در صدور حکم به محکومیت و نیز صدور حکم به مجازات در پرونده موسوم به عیاش و دیگران چگونه عمل کرده است؟ فرضیه راقمان سطور پیش‌رو آن است که دادگاه یادشده، قواعد حقوقی را آن‌چنان که شایسته و بایسته یک محکمه حقوقی بین‌المللی می‌باشد، رعایت نکرده است.

به منظور نیل به پاسخ به پرسش اصلی مقاله و در واقع به منظور راستی‌آزمایی فرضیه اصلی، راقمان سطور پیش‌رو درصدد بر آمده‌اند تا به دو پرسش فرعی پاسخ دهند. نخست این که دادگاه ویژه لبنان در مسیر رسیدگی برای صدور حکم به محکومیت متهمین در قضیه موسوم به عیاش و دیگران، چگونه عملکردی



داشته است و دیگر این که دادگاه ویژه لبنان در مسیر رسیدگی برای صدور حکم به مجازات محکومین در پرونده موسوم به عیاش و دیگران، چگونه عملکردی داشته است. از این رو، مقاله پیش رو در قالب دو قسمت به این موضوع پرداخته است. نخست بر تحلیل عملکرد دادگاه ویژه لبنان در محکومیت متهمین در پرونده عیاش و دیگران تمرکز شده و آن گاه بر تحلیل عملکرد دادگاه ویژه لبنان در خصوص مجازات در پرونده عیاش و دیگران، نظر دوخته شده است.

۱. تحلیل عملکرد دادگاه ویژه لبنان در محکومیت متهمین در قضیه عیاش و دیگران

دادگاه ویژه لبنان در ۱۸ آگوست سال ۲۰۲۰ میلادی، رأی خود را در خصوص محکومیت عیاش صادر کرد. در این رأی، به دیداری که رفیق حریری و معاون وزیر خارجه سوریه داشته‌اند اشاره کرده است که طی آن، نخست وزیر لبنان بر لزوم رعایت تمامیت سرزمینی و حاکمیت کشور لبنان تأکید داشته است (Trial Judgment, para. 673). شعبه رسیدگی کننده دادگاه ویژه لبنان نتوانسته است استدلال کافی در خصوص ادعای نقش سوریه و حزب الله لبنان در ترور رفیق حریری به عنوان نخست وزیر لبنان ارائه نماید. در متن رأی، به طرز عجیبی بر این امر تأکید شده است که متهمین حامی حزب الله برشمرده می‌شده‌اند (Indictment, 2013: para. 43). به هر روی، صرف حمایت یک شخص از حزب الله، به منزله نقش حزب الله در ترور رفیق حریری نیست. این در حالی است که دادگاه ویژه لبنان به این موضوع، که متهمین حامی حزب الله بودند به مثابه حجتی بر نقش حزب الله در ترور رفیق حریری پرداخته است (Trial Judgment, para. 64). حال آن که، به حکم عقل و حقوق، این که شخصی از نهادی حمایت کند، به منزله نقش آن نهاد در عمل مطروحه نیست. در کیفرخواست اول که در ۱۰ ژوئن سال ۲۰۱۱ میلادی صادر شده، ادعا شده است که ظرفیت آموزش افراد در حزب الله وجود دارد.

دادستانی در لوایح اولیه خود تصریح کرده بود که حزب الله و دولت سوریه نقشی در حادثه ترور نداشته‌اند. با این حال، در رسیدگی‌های بدوی این ادعا، بارها بیان می‌شد که متهمین از طرفداران حزب الله قلمداد می‌شوند (Prosecution's Updated Pre-Trial Brief, paras. 40, 42 & 46). دادستانی در لوایح پایانی خود بار دیگر اظهار داشت که تماس‌های با حزب الله ناشی از علقه مشترک می‌تواند دانسته بشود. در این خصوص شایسته توجه است که چنین ادعاهایی، در لایحه نهایی اضافه شدند و این در حالی است که در لایحه اولیه به آن اشاره نشده بود (Trial Judgment, para. 115).

افزون بر این، تصریح شد که اقدام منجر به جان باختن رفیق حریری و بیست و دو تن دیگر، با اغراض سیاسی بوده و ادعا شد که تمهید و اعمال آن متعاقب تنش‌های پیش آمده بین لبنان و سوریه صورت

پذیرفته است (STL, Trial Judgment, para. 110). دادستانی با استناد به بعضی از دیدارهای حضوری یا تماس‌های تلفنی میان برخی از سران حزب‌الله یا رییس جمهور سوریه با شماری از مدیران امنیتی لبنان و سوریه و همین‌طور، با اشاره به شرایط کلی سیاسی زمان وقوع عمل منتج به جان باختن حریری و نیز دیدارهایی که حریری با دبیرکل حزب‌الله داشته، ادعای احتمال نقش آن‌ها در آن عملیات را دیگر بار مطمح نظر قرار داد.

حال آن‌که، غور در مسیر دادرسی و لوایح مطروحه، نیک روشن است دادگاه ویژه لبنان نتوانسته است دلیل لازم و کافی برای اثبات ادعای نقش حزب‌الله لبنان یا دولت سوریه در آن قضیه بیابد (STL, Prosecution Closing Submissions, 2018: 27, 28 & 37).

هیأت دفاع در لایحه‌هایی که تنظیم و تقدیم کرده است، بابت چگونگی انجام دادرسی به دادستانی انتقاد کرده و نکات مطروحه را ناقص دانسته است. هیأت دفاع در انتقاد خود به چگونگی انجام دادرسی، استدلال می‌کند که تاریخ مورد ادعا در خصوص توطئه، عدم شناسایی برخی افراد ناشناس عضو در عملیات توطئه و ادعای نقش داشتن حزب‌الله در توطئه، محل نقد و چالش است (Prosecution Closing Submissions, 2018: para. 66). در این راه، دادستانی بیش از این به نقش حزب‌الله و سوریه پرداخت یا به بیان بهتر دلیلی نیافت که بیش از این بتواند به ادعای نقش حزب‌الله و سوریه پردازد.

از این رو، آن‌چه که از نقش حزب‌الله و دولت سوریه در طول دادرسی‌ها همواره تکرار می‌شد، ناشی از امور فراحقوقی و به تعبیر دقیق، به جهت فشارهای سیاسی ناشی از فضای بیرونی دادگاه بود. با این‌که تلاش بسیاری برای اثبات این ادعا صورت گرفت ولی این ادعا در رأی نهایی اثبات نشد. با تدقیق در رأی بسیار روشن است که پرونده دادستانی تا چه حد بر شواهد ضعیفی مستند بوده و بیش از آن‌که استدلال حقوقی ارائه گردد، قاطبه مطالب حول محور شرح موقوف است و از این رو است که در متن رأی نیز به تبعیت از مطلب مطروحه در طول دادرسی، راجع به جزئیات اقدام منتج به جان باختن حریری و ۲۲ تن دیگر، قلم فرسایی شده است.

در این حکم فقط به طور گذرایی به ادعای نقش حزب‌الله و سوریه در ترور اشاره کرده است. این در حالی است که دلیل لازم و کافی برای اثبات این ادعا ارائه نشده است. در واقع، صدور این تصمیم هم در سیاق تأسیس دادگاه ویژه لبنان قابل تأمل است. چه این‌که صدور قطعنامه شورای امنیت و متعاقب آن تأسیس دادگاه ویژه لبنان از رهگذر توافقی که منعقد شد نتیجه این واقعیت دانسته می‌شود که رییس وقت پارلمان، نبیه بری، رهبر جنبش امل از تشکیل جلسه پارلمان برای تصویب توافق‌نامه امتناع نمود (Marieke

et al, 2007: 1074). در این سیاق و هم سو با این رویکرد است که در پرونده عیاش و دیگران، سه نفر از متهمین تبرئه شدند و این در حالی اتفاق افتاد که دفاع از آن‌ها چه بسا دشوارتر دانسته می‌شد. دادگاه ویژه لبنان، همواره به عنوان دادگاهی که هزینه‌های زیاد دارد و متأثر از مسائل فراحقوقی و سیاسی قرار دارد محل بحث و نظر است (Jurdi, 2007: 5) و این تصمیم نیز در این دادگاه مؤیدی بر این امر و هم سو با این جریان در دادگاه یادشده است. در واقع، به حکم عقل، با تمرکز حقوقی بر عناصر جرم و مجازات می‌توان به هدف دادگاه بین‌المللی کیفری که مقابله با بی‌کیفرمانی در راستای تحقق عدالت است نائل شد. در غیر این صورت، چنانچه تنها بر ظواهر رویه‌ای یا اماراتی که پوسته‌ای از واقع هستند در معرض امیال و اغراض فراحقوقی حکم صادر شود و به موجب آن شخصی محکوم و شخصی دیگر، تبرئه گردد، محکمه بین‌المللی کیفری را از رسالت خود دور و دورتر می‌سازد. از این روست که برخی قائل بر آنند که رویکرد موجود در دادگاه ویژه لبنان، موجب شده است که از دادگاه پیش گفته، به عنوان یک نهاد که از کارکرد واقعی خود دور افتاده است، یاد گردد (Ambos, 2011: 657).

دادگاه ویژه لبنان در رأیی که صادر نموده به اقتضای رسیدگی به اتهامات متهمین، در احراز تخف در پرونده عیاش، به ادعای برقراری ارتباط‌های مخبراتی که عیاش برای انجام عملیات تعقیب و اتخاذ اقدامات لازم برای انفجار داشته، پرداخته است (Trial Judgment, paras. 6706, 6701, 6728, 6737). دادگاه ویژه لبنان از رهگذر رأیی که صادر کرده، به عناصر جرم به عنصر جرم توطئه برای ارتکاب حمله تروریستی با استفاده از وسایل انفجاری پرداخته و بیان کرده است که تحقق توطئه، مستلزم حصول توافق بر این است که حمله ارتکاب یابد. دادگاه ویژه لبنان پس از آن که عنصر جرم توطئه برای ارتکاب حمله تروریستی با استفاده از وسایل انفجاری را بیان می‌کند، اظهار می‌دارد که در خصوص پرونده سلیم جمیل عیاش و دیگران، احراز جرم توطئه برای ارتکاب حمله تروریستی با استفاده از وسایل انفجاری، مستلزم آن است که توافق متهمین احراز شود و در توافق آن‌ها سه امر باید وجود داشته باشد. نخست، توسل به وسایلی نظیر ابزارهای انفجاری در مقیاس بزرگ است که می‌تواند خطر عمومی ایجاد کند؛ دیگر، وجود آگاهی از این است که آن وسایل می‌توانند موجب ایجاد رعب شوند و نیز مستلزم احراز آن است که توافق شده باشد تا در مکانی عمومی به کار گرفته شود که می‌تواند به جان باختن یا زخمی شدن مردم بینجامد. دادگاه ویژه لبنان اظهار داشته است که چنین توافقی حاصل شده و هر سه مؤلفه یادشده، یعنی استفاده از ابزار انفجاری در مقیاس، وجود آگاهی و به کارگیری در مکان عمومی را در خصوص عیاش محرز خواند (Trial Judgment, paras 6501-6502).



اثبات ادعا در خصوص این که در پرونده عیاش، از وسایل انفجاری استفاده شده است تا عمل تروریستی ارتکاب یابد، مستلزم آن بود که عیاش با آگاهی این کار را کرده باشد و به نحو قابل توجهی موجب رعب جمعی شده باشد. شعبه رسیدگی دادگاه ویژه لبنان در خصوص این که عیاش، مواد منفجره را به کار گرفته است یا خیر، اعلام نموده است که مواد انفجاری به دست خود عیاش انفجار نیافته‌اند (Trial Judgment, para. 6752). دادگاه ویژه لبنان قائل به آن شد که عیاش آگاهی کامل از اوضاع و احوال داشته و وسیله حاوی مواد منفجره در مکانی عمومی که در آن، ازدحام جمعیت وجود داشته، انفجار یافته است (Trial Judgment, paras 6763-6764).

اثبات ادعای مربوط به اتهام به قتل عمد رفیق حریری با قصد قبلی و توسط وسایل انفجاری، مستلزم اثبات آن دانسته شده است که عیاش با قصد قبلی، مبادرت به اقدام علیه نخست وزیر سابق نموده باشد و آن را با وسایل انفجاری عملیاتی کرده باشد. به موجب آن چه که در رأی مربوطه آمده است، دادگاه با تکیه بر همان شواهد قبلی و بدون آن که دلیل دیگری بیاورد، برای خود احراز کرده است که عیاش با قصد قبلی این کار را انجام داده است (Trial Judgment, para. 6804).

به منظور اثبات ادعای مربوط به اتهام راجع به قتل عمد بیست و یک نفر از دیگر مردم علاوه بر قتل عمد رفیق حریری، با قصد قبلی و با استفاده از وسایل انفجاری، لازم بود تا دادگاه ویژه از رهگذر دادستانی خود اثبات نماید که عیاش قصد قتل مردمی غیر از رفیق حریری را داشته یا دست کم این است که باید اثبات می‌شد که وی باید مرگ دیگران را پیش‌بینی می‌کرده است. در واقع، پیش‌بینی کردن مرگ دیگران به منزله آن است که خطر مرگ دیگران، با قصد قبلی پذیرفته شده باشد. دادگاه، در رأیی که صادر کرده، اظهار داشته است که عیاش قدری قبل تر از حادثه در نزدیکی محل انفجار بوده و از این رو، احراز کرده است که مرگ دیگران برای وی قابل پیش‌بینی بوده است و از آن نتیجه گرفته است که خطر جان باختن دیگران را با قصد قبلی پذیرفته و مبادرت به عمل کرده است (Trial Judgment, para. 6830). در واقع، همان طور که ملاحظه می‌شود دادگاه بر اساس، یک حدس و گمان ظاهری از شرح ماوقع، به چه نتیجه‌ای دست یافته و حکم به محکومیت و سپس مجازات صادر کرده است.

شعبه رسیدگی کننده دادگاه ویژه لبنان، راجع به اثبات ادعا در خصوص اتهام به قتل عمد دویست و بیست و شش نفر، علاوه بر قتل عمد رفیق حریری، با قصد قبلی و با استفاده از وسایل انفجاری، احراز کرده است که عمل در یک مکانی عمومی ارتکاب یافته است که هم ازدحام جمعیت وجود داشته و هم ساختمان‌های معتابھی که افراد در آن سکونت داشته‌اند ارتکاب یافته است که قابل پیش‌بینی بوده است



که مشارکت در انفجار مواد موجب مرگ یا جراحت مردم زیادی می شود. دادگاه تصریح داشته است که عیاش به تنهایی عمل نکرده ولی نقش عیاش را حائز اهمیت دانسته است. در واقع، دادگاه ویژه لبنان احراز کرده که چون واقعه در مکانی عمومی ارتکاب یافته که جمعیت زیادی در آن حضور داشته و نیز در قرابت به ساختمان‌هایی ارتکاب یافته است که مردم در آن ساختمان‌ها حضور داشته‌اند، جان باختن و جراحت تعداد کثیری از مردم پیش‌بینی شده است. به این ترتیب، راجع به اثبات ادعا در خصوص اتهام به اقدام به قتل عمد دویست و بیست و شش نفر، علاوه بر قتل عمد رفیق حریری، دادگاه یادشده احراز نموده است که متهم، خطر وقوع آن را پذیرفته و در این اوضاع و احوال، آن عمل ارتکاب یافته و از این رو، دادگاه ویژه لبنان، در این خصوص حکم به محکومیت داده است.

۲. تحلیل عملکرد دادگاه ویژه لبنان در صدور حکم به مجازات در پرونده عیاش

در صدور حکم به محکومیت متهم، در واقع، اتهام یا اتهام‌های مطرح شده در خصوص متهم به اثبات رسیده و به تعبیر دقیق‌تر، دادگاه احراز کرده است که شخص، محکوم است. پس از محکومیت شخص، به حکم منطقی، در راستای مقابله با بی‌کیفرمانی اقتضا دارد که محکوم، مجازات گردد و حکم به مجازات محکوم صادر گردد تا بشود مقابله با بی‌کیفرمانی که خود، اقتضای عدالت است محقق گردد. اصل این است که مطابق با قواعد حقوقی باشد و این صدور حکم به مجازات هم در پرونده عیاش محل بحث و مناقشه است. چه این که برای دادستانی و به ویژه، هیأت دفاع چالش برانگیز بود که بدون اطلاع اولیه از مبانی حقیقی و حقوقی محکومیت هر یک از متهمین، استدلالی آگاهانه برای صدور حکم اتخاذ نمایند. در واقع، به حکم گزاره‌های حقوقی که مقتضای گزاره‌های عقلایی است لازم است که پس از محکوم دانستن متهم، حکم به مجازات محکوم صادر شود. در واقع، این امر، هم سو و هم جریان با اصلی است که از آن به براءت یاد شده است و به اسامی مختلف، در نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی وجود دارد و پذیرفته شده است. گرچه ممکن است که نام اتخاذ شده برای این اصل متفاوت باشد ولی محتوی یکسان و دست کم، مشابه است و آن این که، مادامی که تخلف یا جرم شخص احراز نشده باشد، اصل بر این است که شخص، مبری از آن محسوب می شود و به حکم منطقی، مجازات مبری محلی از اعراب ندارد.

در خصوص پرونده عیاش، دادستانی و نمایندگان جان باختگان و به‌طور کلی اشخاصی که مدعی قربانی شدن بودند، بعد از آن که نتوانستند ادعای خود در خصوص نقش حزب الله و دولت سوریه را اثبات کنند، در مجازات عیاش تلاش زیادی کردند که حکم شدیدی صادر بشود. در واقع، آن‌ها که با شکست در صدور حکم محکومیت حزب الله و سوریه مواجه شده بودند کوشش زیادی در راستای تشدید مجازات

عیاش به عنوان محکوم پرونده کردند. این در حالی است که اگر واقعاً این اشخاص باور داشتند که عیاش از شخص حقیقی یا حقوقی دیگری دستور گرفته است به اقتضای عدل و به حکم گزاره‌های حقوقی، باید تلاش بر تخفیف مجازات وی می‌داشتند نه تشدید آن. در واقع، این جا به طور کامل روشن است که مدعیان نقش حزب الله و دولت سوریه در ترور رفیق حریری، بیش از آن که از عدل و حقوق و عقل تبعیت کنند درصدد اعمال امیال سیاسی و شخصی خود بوده‌اند. چه این که اگر به واقع، قائل به این بوده‌اند که شخصی حقوقی یا حقیقی، عیاش را متأثر ساخته یا تحریک کرده یا به او دستور داده است که آن اقدام را انجام دهد، منطقیاً باید تلاش می‌کردند که مجازات او تخفیف یابد یا دست کم تلاشی برای تشدید مجازات وی نباید انجام می‌داند. حال آن که وضعیت به طور کامل برعکس است و اشخاصی که مدعی نقش حزب الله و دولت سوریه در ترور رفیق حریری بودند تلاش حداکثری خود را برای تشدید مجازات عیاش اعمال کردند که با توجه به ادعای آنان در مرحله صدور حکم به محکومیت، یک تناقض روشن و حتی برای شخصی که صرفاً به دنبال تحقق عدالت باشد، تعجب برانگیز است.

دادگاه ویژه لبنان در پرونده عیاش، پس از آن که حکم به محکومیت صادر کرد، با استناد به مواد ۲ و ۲۴ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان و نیز مواد ۱۷۱، ۱۷۲ و ۱۷۳ آیین دادرسی مبادرت به صدور حکم مجازات نمود. به موجب آن چه که در ماده ۲ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان مقرر شده است، قانون کیفری لبنان در خصوص تعقیب و مجازات اقدامات تروریستی، جرایم علیه حیات یا تمامیت شخصی و نیز مشارکت نامشروع و قصور در گزارش جرایم، به عنوان قواعد مادی جرم مطمح نظر هستند و نیز مواد ۶ و ۷ قانون «تشدید مجازات مربوط به آشوب، جنگ داخلی و نزاع مذهبی» در دادگاه ویژه لبنان قابلیت اعمال دارند. چه این که، دادگاه یادشده، در زمره نسل سوم از محاکم بین‌المللی کیفری است و این به آن معنا است که افزون بر اعمال حقوق بین‌الملل، در آن، حقوق داخلی نیز قابل اعمال است. باری در این خصوص، شایسته توجه است که توجیحات مجازات در نظام‌های ملی، لزوماً همان توجیحات حقوقی، اخلاقی و سازمانی در حقوق بین‌الملل کیفری دانسته نمی‌شود (Sloane, 2007: 40).

به موجب مقرر مطروحه در ماده ۶ قانون یادشده، برای عمل تروریستی منجر به جان باختن یک یا چند فرد یا حتی عمل تروریستی منتج به تخریب تمام یا جزئی از ساختمانی که افرادی در آن حضور دارند، مجازات مرگ در نظر گرفته شده است. نیز، بر اساس ماده ۷ همان قانون، در خصوص افرادی که در توطئه‌ای که منتج به یکی از نتایج مندرج در ماده ۶ است مشارکت داشته باشند، مجازات حبس ابد با اعمال شاقه پیش‌بینی شده است. در لوایحی که پیرامون دفاع از عیاش تقدیم دادگاه ویژه لبنان گردیده، به





این نکته اشاره شده است که به موجب ماده ۲۴ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان، برای چنین عملی مجازات زندان و به موجب ماده ۲۵ اساسنامه آن دادگاه، برای آن عمل، لزوم جبران خسارت از قربانیان مطرح شده است (Ayyash Defence sentencing submissions, para. 11).

در خصوص دفاع مطرح شده راجع به این که در صدور حکم مجازات عیاش، به ماده ۲۴ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان (مجازات زندان) و نیز ماده ۲۵ آن اساسنامه (لزوم جبران خسارت)، استناد شود، شایسته توجه است که در گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد تشکیل دادگاه ویژه لبنان آمده است که قوانین داخلی لبنان ناظر بر مجازات‌ها به کار نمی‌رود بلکه تنها در مورد جرایم مقرر شده در ماده ۲ قابل اعمال است (Secretary-General's report, para. 22). در این خصوص، درخور امعان نظر است که شعبه رسیدگی کننده دادگاه ویژه لبنان بر این موضع بوده که حقوق داخلی لبنان، مجازات‌هایی نظیر مرگ را پیش‌بینی کرده است که آن را مغایر با اساسنامه دادگاه ویژه لبنان و به طور کلی حقوق بین‌الملل کیفری خوانده است (Trial Judgment, para. 5892).

باری، در این مورد، اعمال حقوق بین‌الملل به منظور تفسیر حقوق داخلی لبنان یا هم‌سنجی آن با حقوق بشر نیست بلکه مسأله بر سر قانون قابل اعمال است؛ چه این که چنانچه از فرایند تشکیل دادگاه ویژه لبنان هم نیک روشن است که دادگاه یادشده در زمره نسل سوم از محاکم بین‌الملل کیفری نیست و این به آن معنا است که حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی قابل اعمال قلمداد می‌شوند (Ambos, 2011: 659).

شعبه رسیدگی کننده دادگاه ویژه لبنان در تحلیل این که مقررات حقوقی قابل اعمال در صدور حکم به مجازات عیاش چیست، اظهار داشته است که قانون «تشدید مجازات مربوط به آشوب، جنگ داخلی و نزاع مذهبی در ماده ۶، برای برخی از اعمال تروریستی مجازات مرگ پیش‌بینی نموده است. نیز ماده ۷ قانون یادشده مقرر کرده است که در خصوص توطئه چینی برای ارتکاب عمل تروریستی، بیشترین مجازات پیش‌بینی شده در آن قانون، مجازات حبس ابد است و از این رو، در خصوص جرایمی که تحت صلاحیت دادگاه ویژه لبنان قلمداد می‌شوند، موضوع قابلیت اعمال قانون تشدید مجازات مربوط به آشوب، جنگ داخلی و نزاع مذهبی محل چالش است این چالش به علت تعارض مقررات حقوقی داخلی و بین‌المللی یعنی تعارض در پیش‌بینی حداکثر مجازات به موجب حقوق داخلی لبنان و اساسنامه دادگاه ویژه لبنان حادث شده است و آن، این که ماده اساسنامه، در این خصوص، بیشترین مجازاتی که در نظر گرفته، حبس ابد است (Trial Judgment, para. 5892, 5871 & 908). از این رو، دادگاه ویژه لبنان در خصوص مقرر حقوقی قابل اعمال برای صدور حکم مجازات لازم بود تا به رویه موجود هم توجه کند تا

بتواند تفسیر بهتری ارائه دهد.

در خصوص صدور حکم به مجازات و اعمال مجازات، درخور امعان نظر است که عیاش، محکوم به ۵ مورد شده بود. در واقع، دادگاه در صدور حکم به محکومیت، ۵ ادعا در مورد سلیم جمیل عیاش را محرز دانست. از این رو، سلیم جمیل عیاش در قضیه موسوم به عیاش و دیگران، به پنج مورد محکوم شد. مطابق با چهارمین بند از ماده ۱۷۲ آیین دادرسی و با ابتناء بر شواهد مطروحه در فرایند رسیدگی به پرونده عیاش، دادگاه ویژه لبنان، می‌تواند مجازات منفرد یا برای هر جرم، مجازات مستقل تعیین کند. این امر به تشخیص دادگاه ویژه لبنان و در صلاحیت آن است. دادگاه ویژه لبنان، در خصوص سلیم جمیل عیاش به‌عنوان محکوم پرونده عیاش و دیگران را بابت پنج جرمی که وی محکوم به آن‌ها خوانده شده است، اظهار کرد که جنایت ارتكابی در هر مورد، سنگین است و عناصر آن‌ها را یکسان ندانست دادگاه ویژه لبنان، در صدور حکم به مجازات عیاش، برای هر جرمی که آن را محرز دانسته، مجازاتی مستقل تعیین کرده است. هیأت مدافع سلیم جمیل عیاش، در خصوص صدور حکم به مجازات عیاش، نظر دیگری داشت و آن، این که قائل بر آن بودند که در نظر دادستانی، ذیل ماده ۲۰۵ قانون کیفری لبنان لحاظ نشده است. در واقع، به موجب ماده یادشده، در وضعیتی که شخص محکوم به بیش از یک جرم شده باشد، مقتضی است برای هر جرم یک مجازات تعیین گردد (Ayyash defence sentencing submissions, para. 25 & 27).

هیأت مدافع از عیاش، به دنبال آن بودند که مجازات مطرح شده عادلانه و حقوقی نیست (STL, Ayyash Defence oral sentencing submissions, 2020: 34). چنانچه هیأت مدافع تصریح داشته است، سلیم جمیل عیاش به عنوان محکوم پرونده اعلام شده ولی دادگاه ویژه نتوانسته ادعای نقش وی در تهیه تجهیزات نقشه احراز کند و همین طور ادعای اطلاع وی از نوع و مقدار مواد منفجره اثبات نشده است (Ayyash Defence sentencing submissions, para. 21). با توجه به آن چه که به عنوان استدلال‌های دادستانی منتشر شده، آمده است که جرایمی که عیاش در پرونده موسوم به عیاش و دیگران به آن‌ها محکوم شده، جرایمی هستند که شورای امنیت سازمان ملل متحد آن‌ها را علیه صلح و امنیت بین‌المللی خوانده و با ابتناء بر بایستگی رعایت صلح و امنیت بین‌المللی مبادرت به تشکیل دادگاه ویژه لبنان شده است (Prosecution sentencing submissions, paras 4, 20). این در حالی است که همان طور که هیأت مدافع از سلیم جمیل عیاش در پرونده مطروحه بر آن موضع بوده‌اند، شعبه رسیدگی کننده دادگاه ویژه لبنان نتوانسته است احراز کند که سلیم جمیل عیاش، دیگران را برای مشارکت در این حمله استخدام کرده یا آموزش داده است (Ayyash Defence sentencing submissions, para. 21).





مضاف بر این، راجع به مجازات‌های قابل اعمال در مرحله صدور حکم به مجازات محکوم، شایسته توجه است که ماده ۲۴ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان مقرر کرده است که لازم است تا شعبه رسیدگی کننده دادگاه ویژه لبنان، ابد بودن مجازات حبس یا سال‌های دقیق آن را مشخص نماید. در واقع، به موجب مقررہ مطروحه، به حکم عقل و عدل، نباید قاضی به طور کلی حکم به مجازات حبس صادر نماید و به تعبیر بهتر، قاضی نمی‌تواند چنین حکمی صادر کند. اگر حبس، ابد است باید ابد بودن تصریح گردد و اگر ابد نیست، باید به طور دقیق مشخص باشد. نخستین بند از ماده ۱۷۲ مقررات آیین دادرسی هم در همین راستا گام برداشته و مؤید این امر است که اگر حبس، ابد است باید قید گردد و اگر ابد نیست، باید تعداد سال‌های آن (زمان آن) مشخص باشد. در این باره، دادستانی بر این موضع بوده است که مطابق با مقررات حقوق کیفری داخلی لبنان، داشتن قصد قبلی و استفاده از مواد انفجاری، در جرگه عوامل تشدید مجازات بر شمرده شده‌اند و از این رو، دادستانی قائل به رویکرد بایستگی مجازات حداکثری بوده است (ayyash defence sentencing submissions, paras 23-24).

به هر روی، استدلال هیأت مدافع پذیرفته نشد و به این ترتیب، شعبه رسیدگی کننده دادگاه ویژه لبنان، هم‌سو با موضع دادستانی، وی را مستحق پنج مجازات حبس، به طور هم‌زمان، دانستند. در واقع، دادگاه ویژه لبنان، اقدامات صورت گرفته را مصداق اوضاع و احوال مشدده دانسته است (STL, Prosecution Oral Sentencing Submissions, 2020: 8-11). نمایندگان قربانیان نیز که بعضاً در بادی امر، در مرحله صدور حکم به محکومیت، به دنبال آن بودند تا حزب الله و دولت سوریه را نیز مسئول بخوانند، با شکست در آن مرحله، اینک در مرحله صدور حکم به مجازات درصدد آن برآمده بودند که در خصوص عیاش به عنوان محکوم پرونده موسوم به عیاش و دیگران، حکم به حداکثر مجازات قابل اعمال صادر شود. در این خصوص، علی‌رغم خواست برخی از نمایندگان جان باختگان و حتی فشارهای بیرونی راجع به این که علاوه بر مجازات حبس ابد، شعبه رسیدگی کننده دادگاه ویژه لبنان، حکم به مجازات مالی و توقیف دارایی‌های عیاش را هم صادر کند لیکن با توجه به این که مجازات مالی و توقیف دارایی‌ها، در چارچوب مقررات حقوقی مندرج در اساسنامه دادگاه ویژه لبنان نیستند، خارج از صلاحیت شعبه رسیدگی کننده دادگاه ویژه لبنان دانسته شدند. در این باره، شایسته توجه است که چنانچه حکم به مجازات حبس ابد یا حتی حبس طولانی مدت داده شود، صدور حکم به جریمه مالی، با رویه رویه داخلی و بین‌المللی محاکم کیفری هم‌سو نباشد (STL Prosecution Oral Sentencing Submissions, 2020: 28).

شعبه رسیدگی کننده دادگاه ویژه لبنان به عنوان یک مرجع حقوقی اعلام نموده است که ماده ۲۴، نگاهی

جامع به مجازات‌هایی که دادگاه می‌تواند در خصوص جرایم مقرر در ماده ۲ صادر و اعمال کند. ماده ۲۴ اساسنامه و مقرر مندرج در ماده ۱۷۲ آیین دادرسی، مؤلفه‌هایی را که لازم است شعبه رسیدگی کننده دادگاه ویژه لبنان در صدور حکم به مجازات و اعمال آن رعایت کند احصا نموده است. شدت و اهمیت جرم، شرایط فردی، هر گونه اوضاع و احوال تشدید کننده یا تخفیف دهنده و رویه کلی در ارتباط با مجازات زندان در لبنان و دامنه اعمال آن توسط دادگاه این دولت بر روی شخص محکوم در ازای همان عمل ارتكابی، در زمره آن مؤلفه‌ها و البته از مهم‌ترین آن‌ها قلمداد می‌شوند. مطابق با اظهارات دادستانی، جرایمی که سلیم جمیل عیاش به آن‌ها محکوم شده و به طور کلی جرایمی که در پرونده موسوم به عیاش و دیگران مطرح شده‌اند، در دسته جرایم شدید طبقه‌بندی می‌شوند و در این راه، استدلال‌های شعبه رسیدگی کننده دادگاه ویژه راجع به این که آن جرایم، به عنوان اعمال تروریستی از جدی‌ترین و شنیع‌ترین جرایم قلمداد می‌شوند ابتداء کرده است و مضافاً این داعیه مطرح شده است که اعمال یادشده بستر بی‌ثبات سازی لبنان را میسور ساخته است (Prosecution sentencing submissions, paras 17, 20-22).

چنانچه پیش‌تر به ماده ۷ قانون تشدید مجازات مربوط به آشوب، جنگ داخلی و نزاع مذهبی، اشاره شد، در خصوص عمل توطئه برای ارتكاب حمله تروریستی با استفاده از وسایل انفجاری، قانون تشدید مجازات مربوط به آشوب، جنگ داخلی و نزاع مذهبی مقرر داشته است که مجازات شخصی که دخیل در چنین توطئه‌ای قلمداد شده، حبس ابد با اعمال شاقه است (Prosecution sentencing submissions, paras 42-43).

با وجود این، شعبه رسیدگی کننده دادگاه ویژه لبنان به اقتضای رسالت خود، ملزم است تا واقعیت راجع به صدمه فردی به قربانیان را کشف کند و کشف صدمه جمعی به این معنا که صدمات جامعه لبنان یا جامعه بین‌المللی در کل را احراز و لحاظ کند، رسالت و در صلاحیت دادگاه ویژه لبنان قلمداد نشده است (trial judgment, paras 892, 911). باری، به موجب آن چه که از رأی قابل استیاد است، در صورتی که برای ارزیابی اثر جرایم بر جان باختگان و به طور کلی، قربانیان و همین‌طور، برای ارزیابی شدت جرایم لازم باشد، دادگاه به رنج ناشی از صدمات جمعی نیز توجه داشته است (trial judgment, para. 918). دادگاه همچنین اعلام کرد که در مورد هر گونه «برآورد یا اقدام مالی» در رابطه با آسیب‌ها اظهار نظر نخواهد کرد (trial judgment, para. 889)؛ چه این که اعمال هم‌زمان حبس ابد و جریمه مالی، هم‌سو با رویه نیز دانسته نشده است.



نتیجه

پس از اقدام تروریستی ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ میلادی که منجر به جان باختن رفیق حریری و بیست و دو تن دیگر شد، شورای امنیت سازمان ملل متحد، در همان سال، به منظور تحقیق و بررسی جوانب مختلف آن عمل تروریستی، به موجب قطعنامه ۱۵۹۵، کمیسیونی تشکیل شد و متعاقب آن، در سال ۲۰۰۷ میلادی، شورای امنیت آن سازمان با تکیه به فصل هفتم منشور ملل متحد قطعنامه ۱۷۵۷ را صادر کرد که به موجب آن، یک دادگاه ویژه مختلط با صلاحیت بین‌المللی کیفری تشکیل گردید تا بشود عاملان انفجار تروریستی منجر به قتل رفیق حریری تعقیب، محاکمه و مجازات شوند. دادگاه ویژه لبنان، به عنوان یک دادگاه بین‌المللی کیفری که در زمره نسل سوم از محاکم بین‌المللی کیفری قلمداد می‌شود، از رهگذر شعبه بدوی خود، کیفرخواست‌هایی علیه عیاش، بدرالدین، اونیسی، صبرا و مهری صادر کرد.

با توجه به در دسترس نبودن آقایان عیاش، بدرالدین، اونیسی و صبرا، دادگاه به صورت غیابی کار خود را پی گرفت. در سپتامبر ۲۰۱۸ میلادی، بعد از آن که خلاصه نهایی رسیدگی‌ها به شعبه رسیدگی‌کننده وصول شد و استماع استدلال‌های نهایی دادستانی و نمایندگان حقوقی قربانیان و دفاعیات انجام شد، رسیدگی به اتهامات خاتمه پیدا کرد. شماری از درخواست‌های تجدیدنظر متقابل، متعاقب انجام مراحل مقدماتی و رسیدگی‌ها، در دادگاه تجدید نظر مطرح شدند. در نهایت، دادگاه ویژه لبنان در ۱۸ آگوست ۲۰۲۰ میلادی مبادرت به صدور رأی خویش در قضیه موسوم به عیاش و دیگران نمود. دادگاه یادشده، سلیم جمیل عیاش را محکوم کرد که در قتل عمد نخست وزیر سابق لبنان، نقش داشته است و این ایفاء نقش را با قصد قبلی دانست.

دادگاه ویژه لبنان در صدور حکم به محکومیت در پرونده عیاش، اعلام کرد که نتوانسته است دلیلی بیابد که مؤید دخالت حزب الله لبنان در ترور نخست وزیر سابق لبنان بوده باشد اما عیاش را گناهکار اعلام کرد و مهری، اونیسی و صبرا را تبرئه کرد. متعاقب آن، عیاش را به پنج مجازات حبس ابد به طور هم‌زمان رأی داد.

محکمه پیش‌گفته، نتوانست ثابت کند که رهبری حزب الله لبنان ارتباط مستقیم با قتل نخست وزیر سابق لبنان داشته است و نیز دادگاه یادشده از اثبات وجود هرگونه ارتباط غیرمحرمانه متهمین با رهبری حزب الله لبنان، درماند. استدلال‌های مطروحه در رأی به محکومیت در پرونده عیاش و نیز مجازات عیاش، مؤید آن است که حزب الله لبنان و نیز دولت سوریه در ترور نخست وزیر سابق لبنان نقش نداشته‌اند. در واقع، دادگاه نتوانسته است دلیل قانع‌کننده‌ای بیابد که به موجب آن، حزب الله لبنان و دولت سوریه را در ترور نخست وزیر سابق لبنان مؤثر بخواند.



این در حالی است که چه تأسیس دادگاه ویژه لبنان و چه عملکرد آن دادگاه، تحت تأثیر امور فراحقوقی دانسته می‌شود و در واقع، امور غیرحقوقی نظیر امیال و فشارهای سیاسی غلبه داشته‌اند و باوجود همه این‌ها دادگاه از اثبات ادعای مربوط به نقش حزب الله لبنان و دولت سوریه در ترور رفیق حریری در مانده است. این رویکرد چه در صدور حکم به محکومیت و چه در صدور حکم به مجازات، و به طور کلی سطره این نگاه در یک محکمه حقوقی بین‌المللی است که کارکرد واقعی آن، یعنی مقابله با بی‌کیفرمانی در راستای تحقق عدالت را تضعیف می‌نماید.

منابع

- Articles

Aghaei Janatmakan, Hossein (2009). "Special Tribunal For Lebanon; A Different Perspective in International Criminal Law", *Journal of Law Quarterly*, vol. 32, no. 2, pp. 23-44. (in Persian)

Beigzadeh, Ebrahim & Mirzadeh, Mona (2016). "Terrorism as an International Crime: Special Tribunal for Lebanon's Approach to Definition of International Terrorism", *Pazhoueshhaye Hoghooghe Jaza va Jormshenasi*, vol. 3, no. 6, pp. 5-36. (in Persian)

Salehi, Muhammad Khalil & Khosrowshah, Hasan (2018). "Trials in Absentia at the Special Tribunal for Lebanon on the Basis of the International Human Rights", *Criminal Law Doctrines*, vol. 14, no. 14, pp. 119-144. (in Persian)

Ambos, Kai (2011). "Judicial Creativity at the Special Tribunal for Lebanon: Is There a Crime of Terrorism under International Law?", *Leiden Journal of International Law*, vol. 24, pp. 655-675.

Jurdi, Nidal Nabil (2007). "The Subject-Matter Jurisdiction of the Special Tribunal for Lebanon", *Journal of International Criminal Justice*, vol. 5, pp. 1125-1138.

Marieke, Wierda; Nassar, Habib and Maalouf Lynn (2007). "Early Reflections on Local Perceptions, Legitimacy and Legacy of the Special Tribunal for Lebanon", *Journal of International Criminal Justice*, vol. 5, pp. 1065-1081.

Saul, Ben (2011). "Legislating from a Radical Hague: The United Nations Special Tribunal for Lebanon Invents an International Crime of Transnational Terrorism", *Leiden Journal of International Law*, vol. 24, pp. 677-700.

Sloane, Robert (2007). "The Expressive Capacity of International Punishment: The Limits of The National Law Analogy and The Potential of International Criminal Law", *43 Stanford Journal of International Law* 39.

Wetzel, Jan Erik and Mitri, Yvonne (2008). "The Special Tribunal for Lebanon: A Court "Off the Shelf" for a Divided Country", *The Law and Practice of International Courts and Tribunals*, vol. 7, pp. 81-114.

- Cases and Documents

Assize Court of Beirut (2015). Decision No. 54 (extract), 28 January.

Assize Court of North Lebanon (2017). Decision No. 170 (extract), 12 April.

Court of Cassation of Lebanon (2016). Chamber 7, Decision No. 52 (extract), 11 February.

STL (2020). Prosecution Oral Sentencing Submissions, 10 November.

STL (2020). STL-11-01/S/TC, Prosecutor v. Ayyash, F3845, Prosecution Submissions on Sentence, 1 September.

STL (2020). STL-11-01/S/TC, Prosecutor v. Ayyash, F3850, Ayyash Defence Observations on Sentence, 25 September.

STL (2020). STL-11-01/S/TC, The Prosecutor v. Salim Jamil Ayyash, F3855, Sentencing Judgment, 11 December.

STL (2020). STL-11-01/T/TC, Prosecutor v. Ayyash, Merhi, Oneissi and Sabra, F3839, Judgment, 18 August.

UN (2007). S/PV.5685, Security Council, 5685th meeting on the Situation in the Middle East, 30 May.

- Internet Resource

<https://www.stl-tsl.org/en>



١٦٠

پژوهش نامه ایرانی

سیاست بین الملل،

سال ۱۲، شماره ۲، شماره

پیاپی ۲۴، بهار و تابستان

۱۴۰۳